

Investigating the Impact of Environmental Performance Guarantees on Community Health and Hygiene

Fatemeh Azizzadeh*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Email: fatazizzadeh21@yahoo.com

Received: 21 May 2025 **Revised:** 29 Jul 2025 **Accepted:** 05 Sep 2025 **Available Online:** 22 Dec 2025

Abstract: The right to a healthy environment is one of the recognized human rights. Because a healthy environment leads to the health and hygiene of society. Efforts to protect the environment will eliminate many physical and mental diseases. Therefore, to achieve this goal, there must be mechanisms to promote environmental protection. Although the legal and criminal enforcement guarantees recognized in the laws help achieve this goal and are necessary and essential, they are not sufficient. In this article, which has been conducted in a descriptive and analytical manner by referring to library and internet resources, it is assumed that in addition to these two enforcement guarantees, the approach of legal entities towards the environment should change and the environment should be recognized as one of the beneficiaries of this group, and also that identifying social responsibility in the articles of association of companies can contribute significantly to preserving the environment and, as a result, preserving the health of society. In the present article, after examining the legislative policy and criminal and civil enforcement guarantees, an attempt has been made to examine their impact on the health of society and then to present the necessary solutions for improving the health of society through other enforcement guarantees.

Keywords: Environment, Community Health, Civil Enforcement Guarantee, Criminal Enforcement Guarantee, Social Responsibility.

Please Cite This Article As: Azizzadeh, F (2025). "Investigating the Impact of Environmental Performance Guarantees on Community Health and Hygiene". *Iranian Health System Law*, 1(4): 43-54.

Copyright

This is an open access article distributed under CC BY 4.0 License.

© 2025 The Authors.

بررسی تأثیر ضمانت اجرائی زیست محیطی بر روی سلامت و بهداشت جامعه

فاطمه عزیز زاده*^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Fatazizadeh21@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده:

حق بر محیط زیست سالم، به‌عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده بشری است، زیرا سالم‌بودن محیط زیست، سلامت و بهداشت جامعه را در پی دارد. تلاش در حفظ محیط زیست، باعث از بین بردن بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی خواهد شد، لذا برای رسیدن به این هدف، باید برای ارتقای حفظ محیط زیست مکانیزم‌هایی وجود داشته باشد. ضمانت اجرائی حقوقی و کیفری شناخته‌شده در قوانین موضوعه، هرچند به رسیدن این هدف کمک می‌نماید و لازم و ضروری هستند، ولی کافی نیستند. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است، فرض بر این است در کنار این دو ضمانت اجراء، باید رویکرد اشخاص حقوقی نسبت به محیط زیست تغییر نماید و محیط زیست به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان این گروه شناخته شود و نیز شناسایی مسؤلیت اجتماعی در اساسنامه شرکت‌ها می‌تواند کمک شایانی به حفظ محیط زیست و در نتیجه حفظ سلامت جامعه نماید. در مقاله حاضر، پس از بررسی سیاست تقنینی و ضمانت اجرائی کیفری و مدنی سعی شده است میزان اثرگذاری آن‌ها بر روی سلامت جامعه بررسی گردیده و سپس راهکارهای لازم برای ارتقای سلامت جامعه از طریق ضمانت اجرائی دیگر ارائه شود.

کلمات کلیدی: محیط زیست، سلامت جامعه، ضمانت اجرائی مدنی، ضمانت اجرائی کیفری، مسؤلیت اجتماعی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

باتوجه به افزایش رشد جمعیت و توسعه صنعتی، محیط زیست به عنوان یک عامل مهم برای سلامت انسان مورد توجه قرار گرفته است. محیط زیست سالم، شرط لازم برای حفظ سلامت جسمی و روانی افراد و جوامع است. عوامل اثرگذار بر سلامت محیط زیست می‌توانند به دو دسته کلی تقسیم شوند: ۱- عوامل طبیعی؛ ۲- عوامل انسان‌ساخت. عوامل طبیعی شامل تغییرات آب و هوایی، فصول، بلایای طبیعی، گونه‌های زنده و مواد شیمیایی طبیعی هستند. این عوامل امکان دارد هم مفید و هم مضر باشند. عوامل انسان‌ساخت شامل فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل، تولید زباله، استفاده از انرژی‌های فسیلی و ناشایست، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی هستند. این عوامل در بسیاری از موارد منجر به آلودگی هوا، آب و خاک، کاهش تنوع زیستی، افزایش گازهای گلخانه‌ای و تغییرات آب و هوایی نامطلوب می‌شوند. طبق تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.» این آلودگی‌ها در همه کشورهای دنیا بحران زیست‌محیطی را می‌آفرینند که نه تنها بهداشت جسمی، روحی و روانی آحاد ملت، بلکه امنیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک کشور را نیز تحت شعاع خود قرار داده و ایران نیز از این مورد استثناء نیست. سازمان اروپایی همکاری و توسعه اقتصادی، در سال ۱۹۷۴ در تعریف آلودگی بیان داشته است: «آلودگی به معنای ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی به داخل محیط زیست توسط انسان که با آثار مخرب در طبیعت آنچنان که برای سلامتی انسان خطرناک برای منابع زنده و اکوسیستم زیان‌بار است و به تخریب و مداخله در سازگاری‌های طبیعی و سایر استفاده‌های مشروع از محیط زیست منجر می‌گردد.» به‌خاطر افتادن سلامتی انسان در اثر محیط زیست آلوده، موضوعی است که هر دو تعریف بدان اشاره دارند. این درحالی است که همه کشورها در قانون اساسی خود به‌عنوان قانون برتر، از حفظ محیط زیست به‌عنوان یک حق همگانی سخن گفته‌اند و نیز برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق شناخته شده است. حقی که نه قابل اسقاط و نه قابل انتقال است. در اصل ۵۰ قانون اساسی ایران نیز به اهمیت محیط زیست به‌عنوان یک حق همگانی سخن به میان آمده است. قرآن کریم نیز نسبت به مسأله حفاظت از محیط زیست توجه فراوان شده است. اهمیت این موضوع وجود بیش از ۹۰ آیه از قرآن است که دربرگیرنده مضامین محیط زیستی است (حاج‌محمدی، ۱۴۰۱: ۸۱)، علاوه بر این، سازمان ملل متحد یکی از هفت عوامل امنیت انسانی را امنیت زیست‌محیطی برشمرده است (بابایی مهر و ذبیحی، ۱۳۹۴: ۸۵). باوجود این همه توجه به محیط زیست، از بحران‌ها زیست‌محیطی و به‌خطرانداختن سلامتی محیط و جامعه‌گزیزی نیست. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده این رخدادها در نظام حقوقی ایران، عدم وجود قوانین منسجم زیست‌محیطی است و دلیل دیگر عدم وجود مکانیسم و ضمانت اجراهای قوی و محکم است، البته این ایراد به این معنا نیست که در قوانین ایران ضمانت اجرا وجود نداشته باشد. بالعکس در هم در قوانین عام و هم قوانین خاص زیست‌محیطی به ضمانت اجراها اعم از حقوقی و کیفری اشاره شده است، لکن این موارد در عین حال که لازم هستند، ولی کافی نیستند. در قوانین زیست‌محیطی تعریفی از محیط زیست به‌عمل نیامده است. عده‌ای محیط زیست را «فضایی با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... که همه موجودات زیست‌کننده در آن‌ها را شامل می‌شود و مجموعه روابط میان آن‌ها را دربر می‌گیرد» تعریف کرده‌اند. در تعریفی دیگر آمده است: «مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی و ارکانی که به‌شکل متقابل با یکدیگر مرتبط بوده و بر تعادل زیستی و کیفیت حیات، سلامتی بشر، میراث فرهنگی و تاریخی و چشم‌انداز تأثیر می‌گذارد.» در یک جمع‌بندی از تعاریف یادشده می‌توان بیان کرد: «محیط زیست به تمام محیطی گفته می‌شود که کلیه موجودات زنده، از جمله انسان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بدان وابسته بوده، حیات و فعالیت‌های او در ارتباط با آن می‌باشد» (علی‌دادی شمس‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸).

شایان توجه است که به‌علت مهم بودن «محیط زیست» خصوصاً از جهت اثرگذاری آن بر سلامتی جامعه آثار زیادی هم در قالب کتاب و هم مقالات به نگارش درآمده است، ولی آنچه در این تحقیق به‌طور خاص بدان پرداخته می‌شود، این است که اولاً سیاست تقنینی نظام حقوقی ایران در خصوص محیط زیست چگونه است؟ ثانیاً ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری تا چه اندازه در

حفظ و ارتقای سلامتی افراد جامعه مؤثر بوده است و چه راهکاری برای تقویت و اثرگذاری بیشتر اضمات اجراها بر روی سلامتی جامعه وجود دارد؟

۱- سیاست تقنینی زیست محیطی

رشد و توسعه روزافزون آلودگی‌ها که به انحای مختلف هوا، خاک و آب‌های جهان را تحت تأثیر اثرات زیان‌بار قرار داده است و سرانجام تنزل کیفیت زندگی طبیعی و سلامتی جوامع بشری، در نتیجه برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست باعث گردیده است تا دولت‌ها، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به تدوین و اجرای قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست دست بزنند. تعریف سلامت از نگاه سازمان بهداشت جهانی بر خورداری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو است. باتوجه به این تعریف مشاهده می‌شود که موضوع سلامت در جامعه یک مقوله چندبعدی است که طیف وسیعی از ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد، لذا کشوری را می‌توان در سطح قابل قبولی از سلامت قلمداد نمود که از جنبه‌های مختلف دخیل (مؤثر) در این موضوع از وضعیت قابل قبولی برخوردار باشد، بدین ترتیب تدوین اصول و قواعد الزام‌آور زیست محیطی به تدریج سبب گسترش قوانین و مقررات زیست محیطی چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی شده و اکنون حقوق محیط زیست، یکی از مهم‌ترین مکانیسم و عوامل مدیریت محیط زیست و حفاظت از منابع آن تلقی می‌گردد (دبیری و کیانی، ۱۳۸۶: ۹۶). در نظام حقوقی ایران، در زمینه محیط زیست قوانین و مقررات زیادی وضع و تنظیم شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ اشاره نمود. هدف اصلی این قانون، بهبود و به‌سازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هرگونه آلودگی و اقدام مخرب علیه محیط زیست می‌باشد. این قانون با تأکید بر لزوم حفظ تعادل و تناسب محیط زیست، تمام امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آبی داخلی را نیز در قلمرو شمول خود قرار داده است (قلندر و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۴۸). قانون صید و شکار، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۷۴، قانون مدیریت پسماندها، قانون ایمنی زیستی، قانون نحوه جبران زحمات و خسارات کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در ارتباط با جرایم محیط زیستی، قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های شهری و قانون هوای پاک ۱۳۹۶ بخشی دیگری از این قوانین هستند. در برنامه‌های توسعه نیز به مقوله محیط زیست توجه شده است. برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب ۷۲-۱۳۶۸ شامل یک ماده واحد و ۵۲ تبصره است که تبصره ۱۳ به امر حفاظت از محیط زیست می‌پردازد. این تبصره، بعدها به‌عنوان بند «د» ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین به‌صورت قانون دائمی درآمد (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۳). برنامه پنج‌ساله دوم توسعه در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ به تصویب رسید. در این قانون، سه تبصره، ۸۱، ۸۲ و ۸۳ به‌طور مستقیم به حفاظت از محیط زیست اختصاص یافته است. همچنین با تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹، فصل دوازدهم این برنامه تحت عنوان «سیاست‌های زیست محیطی»، شامل دو ماده ۱۰۴ و ۱۰۵ است که در حوزه فعالیت‌های فرابخشی به مسائل محیط زیست می‌پردازد. فصل پنجم قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۸ نیز، به حفظ محیط زیست اختصاص دارد (عزیززاده و رضایی، ۱۴۰۱: ۳۶۹). در کنار این قوانین، اسناد کلی نیز وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون اساسی، سند توسعه چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴، سیاست‌های اجرایی دوره چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های کلی محیط زیست اشاره کرد.

۲- بررسی ضمانت اجراها زیست محیطی

۱-۲- ضمانت اجرای کیفری

در هر نظام حقوقی، برای حفاظت از محیط زیست تلاش شده است که ضمانت اجراهایی، اعم از حقوقی و کیفری وضع گردد. بدون شک یکی از اصلی‌ترین هدف این ضمانت اجراها، حفظ سلامتی و حق حیات جامعه است. زیرا حق داشتن محیط زیست سالم یکی از حقوق‌های بشری است و آلودگی هوا ناقض این حق است (بوذری و اسدزاده، ۱۴۰۲: ۹). به همین دلیل قانون‌گذار در قوانین متعدد زیست محیطی، از جمله قانون هوای پاک به‌عنوان آخرین مقنن در حوزه تصویب مقررات مذکور، به جرایم زیست محیطی اشاره کرده و مجازات‌های مختلفی برای آن‌ها در نظر گرفته است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم بیان می‌دارد: «هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.» در بین انواع

جرایم، جرم‌هایی هستند که به دلیل تخریب و آسیب به محیط زیست، جرایم زیست‌محیطی نامیده شده‌اند. اخیراً شاخه‌ای از حقوق کیفری با عنوان حقوق کیفری محیط زیست پدید آمده است که هدف آن شناخت رفتارهای ضداجتماعی از نگاه محیط زیست و یافتن پاسخ مناسب به اقداماتی است که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست و به خطر افتادن سلامت و تضرع حقوق شهروندی می‌گردد. با الهام از قوانین مختلف، می‌توان از جمله این جرایم را تهدید علیه سلامت عمومی، تخریب عمدی درختان، چرای بی‌رویه دام، ساخت و سازهای غیرمجاز برشمرد (زاهدیان تجنکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۱). با نگاهی به قانون هوای پاک ۱۳۹۶ می‌توان دریافت که این قانون در مقایسه با قوانین گذشته تلاش داشته است که تحولاتی در زمینه ضمانت اجراها در برابر جرایم زیست‌محیطی به وجود آورد و تا حدودی نیز در آن توفیق داشته است. افزایش مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی و اعمال جزای نقدی درباره آن‌ها، انسجام مجازات‌ها و تعیین آن‌ها براساس مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی، پیش‌بینی امکان تعدیل جزای نقدی در گذر زمان و بهبود مجازات‌ها به‌ویژه افزایش جزای نقدی، از جمله این تحولات است (سودمندی، ۱۳۹۸: ۳۶). مجازات حبس در این قانون دیده نمی‌شود، ولی تعطیلی موقت کارگاه‌ها، انفسال موقت از دیگر ضمانت‌های کیفری است که در این قانون آمده است.

۲-۲- ضمانت اجرای حقوقی

مراد از ضمانت اجرای حقوقی، داشتن مسؤلیت مدنی در برابر اقدامات آسیب‌زا به محیط زیست است. در قانون هوای پاک صرفاً در یک ماده به جبران خسارت زیست‌محیطی اشاره شده است. تبصره ۲ ماده ۱۱ آن قانون مقرر داشته است: «متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون (در صورت بررسی در کمیسیون) ضمن پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی، مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند.» بنابراین برای نحوه اجرای ضمانت اجرای حقوقی به قانون عام مسؤلیت مدنی باید رجوع کرد. آنچه در اینجا مهم است، توجه به جبران خسارات زیست‌محیطی است که مهم‌ترین کارکرد مسؤلیت مدنی است تا از این راه بتوان تعادل و موقعیت از دست‌رفته زیان‌دیده را با هزینه مسؤل برقرار نمود (شاهرخی و رحیمی، ۱۴۰۲: ۱۸۱). در قانون اساسی، به صراحت سخنی از لزوم جبران خسارات زیست‌محیطی نیامده است، لیکن اصل ۴۰ قانون اساسی که مبتنی بر نظریه سوءاستفاده از حق است و اصل ۳۴ قانون مذکور که مبتنی بر اصل دادخواهی است را می‌توان متمسک لزوم جبران این‌گونه خسارات برشمرد. در سطح قانون‌گذاری نیز مقررات عام و اختصاصی وضع گردیده است، از جمله مقررات عمومی می‌توان به ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی ۱۳۳۹، ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد و تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون هوای پاک ۱۳۹۶، ماده ۱۳ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی ۱۳۵۴ و نیز ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها سال ۱۳۸۸، نمونه‌ای از مقررات اختصاصی هستند.

۳- بررسی تأثیر ضمانت اجراها بر روی سلامت و بهداشت جامعه

۳-۱- بررسی تأثیر ضمانت اجرای کیفری

تعیین ضمانت اجراهای کیفری زیست‌محیطی در قالب مجازات‌ها باید با ویژگی‌های همراه باشد که اهداف مقنن در جامعه را برآورده سازد. یکی از این ویژگی‌ها این است که ضمانت اجراها از بازدارندگی مطلوب برخوردار باشند، به‌صورتی که تابعان حقوق کیفری باتوجه به نوع کیفر انتخاب شده، ارتکاب جرم را به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود انتخاب نکنند. در قانون ایران، عمده‌ترین مجازات برای آلودکنندگان جزای نقدی پیش‌بینی شده است و قانون هوای پاک در مواد ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۹ و ۳۰ بدان توجه نموده و نیز با تعدیل آن در گذر زمان، تغییراتی در میزان آن داده است.

پرداخت مجازات نقدی، باید با هدف اجرایی کردن رسالت اصل ۵۰ قانون اساسی و ارتقای سلامت جامعه هماهنگ باشد، لکن به‌نظر می‌رسد اخذ جزای نقدی تنها بر بخشی از افراد جامعه که در شرایط مالی خوب به سر نمی‌برد، اثرگذار باشد؛ با این توضیح که تعداد زیادی از مالکان ثروت و منزلت جرم‌هایی انجام می‌دهند که نتایجی به مراتب وخیم‌تر و فراگیرتر از جرم‌های مردم فقیر دارد. اصطلاح «یقه‌سفیدها» را ادوین ساترلند برای اولین بار در سال ۱۹۳۹ در مورد جرم‌های افرادی به‌کار برده است که در

مرجعیت اصلی و صلاحیت عام حفظ و نگهداری محیط زیست، ایجاب می‌کند که سازمان محیط زیست از مکانیزم‌های کافی و لازم برای انجام مؤثر وظایف خود برخوردار باشد و قادر باشد در مواردی که دستگاه‌های دیگر به مسؤولیت قانونی خویش در برابر محیط زیست توجه نمی‌کنند، به آن‌ها اخطار داده یا شخصاً جلوی اقدامات آن‌ها را بگیرد (فریادی، ۱۴۰۳: ۹۳).

۲-۳- بررسی تأثیر ضمانت اجرای حقوقی

در فقه قاعده مشهوری تحت عنوان «لاضرر» وجود دارد که براساس آن، ضرر زدن به شخص یا اشخاص به هیچ وجه شایسته نیست (جوادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱). بدون شک آسیب به محیط زیست که منتج به به‌خطرافتادن سلامتی جامعه می‌گردد نیز ضرر است و باید جبران شود. در حوزه جبران خسارات زیست‌محیطی باید بررسی شود که مسؤولیت راجع به خسارات زیست‌محیطی تابع نظام مسؤولیت مدنی سنتی در حقوق خصوصی بوده یا تابع مسؤولیت در حقوق عمومی است؟ چون که حقوق دانان قواعد مسؤولیت را در این دو متفاوت می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۵).

در نظام حقوقی ایران، نظریه تقصیر و خطر به‌عنوان مبنای اصلی مسؤولیت خسارات زیست‌محیطی شناسایی شده‌اند. همچنین نظریه‌های فرض تقصیر و تضمین نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و در فقه نیز قواعد اتلاف، تسبیب، لاضرر و احترام اموال مطرح شده است. سرانجام، در سیستم‌های حقوقی که از نظام سنتی مبتنی بر حقوق خصوصی پیروی می‌کند نظریه تقصیر مبنای مسؤولیت مدنی بوده و در نظام مبتنی بر حقوق عمومی، نظریه مسؤولیت محض مورد قبول واقع شده است (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۷).

پذیرش نظریه تقصیر به‌عنوان مبنای جبران خسارت زیست‌محیطی نمی‌تواند مناسب باشد، زیرا طبق این نظریه، اثبات تقصیر برعهده زیان‌دیده است و اثبات رابطه سببیت به‌عنوان پیچیده‌ترین رکن مسؤولیت مدنی در حوزه مصادیقی همچون آلودگی هوا که مرتبط با محیط زیست است، در عمل دشوار است. ممکن است زیان‌دیدگان به‌خاطر سختی اثبات رابطه سببیت و نیز هزینه بالای دادرسی، جبران خسارت را پیگیری نمایند. این عمل از انصاف به دور است که شخص به‌خاطر این دشواری‌ها، ضرر مادی خود را نتواند جبران نماید. اگر این مسأله اثر مستقیم بر روی سلامتی روحی و روانی شخص نگذارد، بدون شک به‌شکل غیرمستقیم زمینه ناراحتی وی را فراهم می‌سازد، زیرا حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، بنا بر اصل ۵۰ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی قابل مطالبه دانسته شده است. به‌نظر می‌رسد برای حل این مشکلات، با علم به ناتوانی نظریه تقصیر، بهترین راهکار در ارزیابی خسارات زیست‌محیطی، تمهید و وضع قانون خاص مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی باشد یا بر مبنای اصولی نظیر احتیاط و پیشگیری، نظریه مسؤولیت محض را به‌شکل ترکیبی از نظام مسؤولیت مدنی و حقوق عمومی بپذیریم (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸۹).

در قوانین خاص تاکنون چنین تحولی دیده نشده است. قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، برای جبران خسارات زیست‌محیطی مقرر خاصی ندارد و کمافی سابق باید به قوانین عام مسؤولیت مدنی رجوع شود. برخی از محققان، بیان کرده‌اند که بهترین نظریه برای تبیین جبران خسارات زیست‌محیطی، مسؤولیت محض است. با این استدلال که باتوجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که در صورت خلأ قانون موضوعه مراجعه به فقه را تجویز نموده و نیز باتوجه به قاعده احترام به اموال، باید از محیط زیست حفاظت نمود، به این خاطر که محیط زیست و منابع طبیعی از مشترکات عمومی متعلق به همگان است. بنابراین برای حفاظت مطلوب از محیط زیست تصویب قانون خاص جبران خسارت زیست‌محیطی ضروری به‌نظر می‌رسد (همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۵). از آنجا که در نظریه محض، زیان‌دیده به‌دنبال اثبات رابطه سببیت نیست و راحت‌تر می‌تواند به جبران خسارات خود دست یابد، این نظریه کارسازتر است و به‌نظر می‌رسد لازم است که مقنن در قوانین خاص زیست‌محیطی با گنجانیدن ماده‌ای در این خصوص تکلیف را معلوم نماید.

۴- راهکارهای افزایش تأثیر ضمانت اجراها بر روی سلامت و بهداشت جامعه

۴-۱- تغییر رویکرد اشخاص حقوقی نسبت به محیط زیست

در حاکمیت شرکتی، این موضوع مطرح می‌شود که شرکت‌های تجاری باید تنها به سهامداران خود توجه نمایند یا لازم است که در کنار سهامداران، به حق ذی‌نفعان دیگر نیز توجه داشته باشند. در ماده ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، مقرر شده است: «شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها باشد.» در این ماده به مسؤولیت سهامداران، به‌عنوان مالکان اصلی شرکت اشاره شده است. مواد دیگری همچون اعطای حق رأی به سهامداران و حق حضور آن‌ها در مجامع شرکت در مواد ۸۴ و ۸۶، اعطای حق اقامه دعوا علیه مدیران متخلف در ماده ۲۷۶، انتخاب اعضای هیأت‌مدیره از میان سهامداران در ماده ۱۰۷، نشان از حاکمیت نظریه سهامدار محوری در شرکت‌های تجاری دارد. از سوی دیگر در ماده ۵۱ قانون تجارت ۱۳۱۱ پیش‌بینی شده است مسؤولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسؤولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد و همین ماده در ماده ۱۲۱ شرکت‌های تضامنی تکرار شده است. امانی‌بودن رابطه بین مدیران و شرکا می‌تواند دلیل دیگری بر سهامدار محوری شرکت‌های تجاری در ایران باشد. مخصوص این که یکی از دلایل موافقان نظریه سهامدار محوری در توجیه نظریه مذکور استناد به همین نظریه نمایندگی مدیران و روابط امانی آن‌ها در شرکت است (طوسی، ۱۳۹۳: ۲۴۵)، اما با گذشت زمان، این تصور سنتی در مورد هدف حقوق شرکت‌ها تغییر نمود. در قرن بیستم به علل تحولات اقتصادی مانند رسوایی مالی برخی شرکت‌های بزرگ و نیز وقوع تحولات اجتماعی و پیشرفت‌هایی که در عرصه تجارت به‌وجود آمد، موجب گردید تا نگاه جامعه به شرکت‌های تجاری تغییر نماید. تفکر حاکم این شد که امروزه شرکت‌های تجاری روابط گسترده‌ای با جامعه پیدا کرده‌اند و برای رسیدن به سود و منافع خود از امکانات آن جامعه بهره می‌برند، لذا این بی‌انصافی و بی‌عدالتی است که شرکت‌ها تنها به سهامداران خود بیندیشند. انتظار جامعه این بود که شرکت‌ها مسؤولیت اجتماعی خود را در قبال آن‌ها انجام دهند. در واقع حقوق دانان طرفدار نظریه مسؤولیت اجتماعی معتقد بودند اعطای امتیازات متعدد نظام‌های حقوقی به شرکت در صورتی توجیه‌پذیر است که در راستای افزایش رفاه اجتماعی باشد (نوروزی، ۱۳۹۵: ۹۲). در خصوص اهمیت گروه‌های ذی‌نفع و توجه به منافع و حقوق آنان، این‌گونه استدلال شد که تجارت دنیای امروز، موقعیت شرکت‌ها را متحول ساخته است، به‌گونه‌ای که شرکت‌های تجاری، نمی‌توانند به ذی‌نفعان بی‌توجهی نمایند. در واقع، شرط بقا، استمرار و تداوم فعالیت‌های تجاری، تضمین موفقیت و شهرت شرکت‌ها در ایجاد رابطه با ذی‌نفعان بیان گردید. همچنین ذی‌نفعان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و طبیعی شرکت معرفی شدند. در این تئوری بیان گردید که استفاده از این سرمایه‌ها در کنار سرمایه مادی، موجب افزایش قدرت و توانایی شرکت در انجام امور و فعالیتش می‌شود. همگان واقف هستیم که در اثر فعالیت و رقابت شرکت‌های تجاری در مسیر کسب ثروت و سود، محیط زیست آسیب می‌بیند، حتی ثروت‌اندوزی شرکت‌ها تا جایی پیش می‌رود که ممکن است توازن حیات کره زمین به‌هم بخورد، پس لازم است که محیط زیست را از ذی‌نفعان شرکت‌ها بدانیم تا بدین ترتیب، مدیران شرکت‌های تجاری خود را در برابر آن‌ها ملزم و متعهد بدانند و در تصمیم‌گیری‌های خود مصالح آن را رعایت کنند، حتی می‌توان گفت گروه‌های طرفدار محیط زیست به نمایندگی از محیط زیست، ذی‌نفع شرکت‌ها به حساب آیند و این گروه‌ها چه در سطح داخلی چه در سطح خارجی، به‌منظور حصول اطمینان از رعایت استانداردهای محیط زیستی به‌طور داوطلبانه یا قانونی به توسط شرکت‌ها فعالیت نمایند. امروزه، جایگاه محیط زیست در یک شرکت تجاری به دو گونه متبلور می‌شود: یکی از راه تقدیس محیط زیست در کدهای رفتاری و اخلاقی شرکت؛ دوم از طریق سیاست‌های اتخاذشده توسط خود شرکت. صورت نخست بیشتر جنبه نظری دارد و فقط بیانگر اعتقاد شرکت‌ها به پایبندی به محیط زیست می‌باشد، ولی صورت دوم جنبه عملی دارد و این سیاست‌ها به‌منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات محیط زیستی توسط شرکت‌ها و الزام مدیران به حساسیت نسبت به سلامت محیط زیست در دوران تصدی خود می‌باشد، بدین‌سان در اغلب کشورهای دنیا، شرکت‌های تجاری ملزم به رعایت مقررات راجع به حفاظت از محیط زیست هستند. برای نمونه در حقوق کشور انگلستان، از اهرم‌های قوی در جهت اجرای قوانین مربوط به محیط زیست استفاده می‌شود، بدین ترتیب که اولاً نقض مقررات مربوط به محیط زیست ممکن است تعقیب جزایی را به‌دنبال داشته باشد و خلاف محسوب گردد که معمولاً نیاز به اثبات قصد مجرمانه ندارد؛ ثانیاً به‌جای مسؤولیت جزایی یا شاید علاوه بر آن، به متخلف به‌وسیله یک اخطاریه اطلاع داده می‌شود که مبادرت به انجام فعل یا ترک فعل نماید. در ایران نیز، رعایت مقررات محیط زیست به‌عنوان

یک تکلیف بر دوش شرکت‌ها قرار گرفته است، چنان‌که در تبصره ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، بیان گردیده که شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب به موجب قوانین و مقررات مربوط به خود عمل خواهند کرد.

۲-۴- شناسایی مسؤولیت اجتماعی

مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها به ارائه روش‌هایی می‌پردازد که شرکت‌ها، در فضاهای کسب و کار خود به آن عمل می‌کنند و پاسخگوی توقعات جامعه، انتظارات تجاری، قانونی، اخلاقی و اجتماعی آنان هستند، چراکه شرکت‌ها، مسؤولیت‌های بزرگی در زمینه اجتماعی، اقتصادی و محیطی در قبال کارکنان، سهامداران، مشتریان، دولت، تأمین‌کنندگان و تمامی ذی‌نفعان خود برعهده دارند. بدون شک، چنان‌چه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مختلف جامعه، خود را نسبت به رویدادها، اتفاقات و بحران‌های مختلف مسؤول دانسته و هریک در حدود مسؤولیت و حیطة کاری خویش در حل بحران‌های فوق تلاش نمایند، بسیاری از مشکلات کاسته شده و جامعه‌ای سالم و آرام به‌وجود خواهد آمد. به‌عبارت دیگر، شرکت به هر نحوی که عمل کند، عملکردش روی جامعه تأثیر می‌گذارد، لذا باید به کارهایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطبق با ارزش‌های آن باشد. شرکت‌هایی که نتوانند خود را با این شرایط تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود. به‌عبارت دیگر، برای آن‌که بتوانند جایگاه خود را در جامعه حفظ نموده یا ارتقا بخشند، به‌نحوی که باعث ادامه بقای آن‌ها و موفقیتشان در کار شود، لازم است که به مسؤولیت اجتماعی توجه لازم را داشته باشند. بنابراین مسؤولیت اجتماعی عامل اساسی بقای هر شرکت است. مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها، اصطلاحی بود که از دهه نود میلادی به‌طور گسترده با آزادسازی اقتصاد و شکاف عمیقی که میان نقش‌های اقتصادی و اجتماعی شرکت‌ها به‌وجود آمده بود، ظهور نمود. این نظریه در آغاز بیگانه می‌نمود، چراکه قبل از آن شرکت‌های تجاری صرفاً به جنبه‌های اقتصادی فعالیت‌های خود و کسب سود حداکثری توجه می‌کردند و صرف هزینه بدون بازگشت سود برای آن‌ها غیرقابل تصور بود. اساساً فعالیت و تصمیمات شرکت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، جامعه را در مفهومی گسترده که شامل محیط زیست، اقتصاد، فرهنگ، ارزش‌ها، آداب و رسوم و ... می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید مطابق با اصول حقوقی، از قبیل اصل جبران خسارت، مسؤولیت خسارات وارده بر اجتماع را متحمل شود. در نگاه اول، شاید این مسؤولیت هزینه‌های سنگینی را به شرکت بار کند، ولی در درازمدت حداقل تأثیری که دارد، زمینه شهرت تجاری، افزایش مشتری و بهره‌وری شرکت را فراهم می‌سازد. در این قسمت لازم است برای درک بهتر لزوم تصویب و اجرایی کردن مسؤولیت اجتماعی توسط مقنن، کارایی آن مورد بررسی قرار گیرد. این بخش از مسؤولیت در اساسنامه و یا قانون تجارت ایران شناسایی نشده است و این یک ضرورت است، زیرا برخلاف مسؤولیت جزایی و مدنی در حوزه جرایم و خسارات زیست‌محیطی که با اخذ جزای نقدی و یا جبران خسارات مالی پرونده بسته می‌گردد، مسؤولیت اجتماعی خواهان انجام اقداماتی توسط متخلف است که از لحاظ حفاظت از محیط زیست مؤثرتر است. از جمله اقدامات اجتماعی می‌توان به پاکسازی محیط زیست توسط آلاینده‌گان، اجبار آنان به اعاده به وضعیت سابق، انتشار حکم صادرشده برای آگاهی عمومی، محرومیت از تبلیغ، تکلیف به عذرخواهی در رسانه و نشر بودجه‌های عمومی اشاره نمود (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۳۸). به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل بی‌توجهی آلاینده‌گان به محیط زیست، عدم اطلاع و آگاهی آنان نسبت به پیامدها و تبعات رفتاری آن‌هاست. به همین علت، آموزش دادن به این اقشار و هر قشر دیگری به‌عنوان یک مسؤولیت اجتماعی باید در سرلوحه کار مسؤولان باشد. وقتی شخص آموزش ببیند زاویه دید او نسبت به جامعه قطعاً تغییر می‌کند. اشخاص حقیقی و خصوصاً حقوقی با آموزش یاد می‌گیرند که تنها به فکر سودجویی نباشد و با تدابیر لازم و برنامه‌ریزی درست، ضمن رسیدن به اهداف مادی خود، حفظ محیط زیست و حفظ سلامتی جامعه را بر سودجویی‌های خود مقدم بدانند. آموزش زیست‌محیطی کمک می‌کند که فرهنگ زیست‌محیطی ایجاد شود. تجسم و تبلور فرهنگ زیست‌محیطی در جامعه این است که آحاد مردم جامعه از هر جهت محیط زیست را یک پدیده حیاتی و بالارزش برشمردند و هیچ‌گاه به عوامل تشکیل‌دهنده آن (هوا، آب و زمین) آسیبی نرسانند؛ اگر ۱۰ درصد از افراد جامعه سیگار بکشند، به‌طور یقین در حق بقیه ظلم می‌کنند و حق آن‌ها را ضایع می‌کنند و یا اگر ۲۱ درصد از افراد دارای ماشین باشند و با سوخت مواد فسیلی در ماشینشان ایجاد آلودگی کنند، دیگران را از استنشاق هوای سالم محروم می‌سازند. فرهنگ زیست‌محیطی در واقع این است که من و شما و همه افراد جامعه به‌طور برابر از امکانات محیط زیست برخوردار باشیم (آندرواژ و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شده است که تأثیر ضمانت اجرای‌های حقوقی و کیفی بر سلامت و بهداشت جامعه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. همان‌گونه که در متن مقاله بیان شد، در زمینه مسؤلیت کیفی، قانون‌گذار ضمانت‌های متعددی همچون تعطیلی واحدها، ضبط و اموال و جزای نقدی را برای آلاینده‌کنندگان مد نظر قرار داده است که مجازات غالب همان جزای نقدی است، اگرچه مبلغ پرداختی جزای نقدی با گذر زمان تغییر می‌کند، ولی باز هم آن مشکل همیشگی درخصوص این مجازات وجود دارد که بسیاری اشخاص در جامعه به دلیل برخورداری از ثروت فراوان، از پرداخت آن عاجز نیستند و شاید بتوان گفت این مجازات بیشتر برای اشخاص کم‌درآمد مؤثر است، اگرچه به سبب آلوده‌کردن محیط زیست، هر دو گروه، سزاوار مجازات هستند، لیکن فشار روحی، روانی و مالی بر روی اشخاص کم‌درآمد بیشتر است، لذا از روش‌های معقول، سپردن وجوه التزام از سوی اشخاص حقوقی است. وجه التزام می‌تواند مبلغی باشد که به شکل تخمینی لحاظ گردد، وی به میزان مبلغ مشخصی باشد که دادرس برای هر روز تأخیر در انجام تعهد، جهت الزام عامل تخلف به اجرای آن، در نظر بگیرد، بدین ترتیب اجرای تصمیمش را تضمین نماید. این مجازات، آلوده‌کننده را وادار می‌نماید تا به سرعت برای قطع آلودگی اقدام کرده، در غیر این صورت جریمه سنگینی را باید بپردازد. درخصوص ضمانت اجرای حقوقی، انتخاب نظریه تقصیر نمی‌تواند مناسب باشد. وقتی اثبات تقصیر برعهده زیان‌دیده باشد، در بسیاری از موارد ابزار اثبات آن را ندارد و مجبور می‌شود از پیگیری آن خودداری نماید. چنین فردی که ضرر مادی دیده است، با عدم جبران آن، ممکن است دچار آسیب‌های روانی و حتی جسمی شود. بهترین کار این است که قانون‌گذار با پیش‌بینی مسؤلیت محض این دشواری‌های در اثبات را از راه بردارد. به هر حال برای کارآمد کردن ضمانت اجراها و اثرگذاری بهتر آن‌ها بر روی سلامتی جامعه مواردی پیشنهاد:

۱- لازم است رویکرد شرکت‌های تجاری به‌عنوان یکی از گروه‌های بزرگ اشخاص حقوقی، از سهامدار محوری به ذی‌نفع محوری تغییر نماید. وقتی این شرکت‌ها به محیط زیست به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان شرکت توجه می‌شود، عملکرد آن‌ها به سمتی می‌رود که در برنامه و سیاست‌ها و تصمیمات خود به محیط زیست توجه ویژه داشته باشد و تا جایی که می‌توانند از اقدامات آسیب‌زا و مخرب نسبت به این ذی‌نفع خودداری خواهند کرد.

شناسایی مسؤلیت اجتماعی در اساسنامه شرکت‌های تجاری برای رعایت حقوق ذی‌نفعانی همچون محیط زیست امری لازم و ضروری است، زیرا مسؤلیت اجتماعی همواره به شرکت‌ها یادآوری می‌کند که ضمن برخورداری از امکانات جامعه، به‌گونه‌ای رفتار نمایند که حق بر محیط زیست سالم نادیده گرفته شود. رعایت این دو نکته بدون شک بر روی سلامتی جامعه نیز اثر بیشتری خواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به انجام پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در بازخوانی و ویرایش اثر همیاری و راهنمایی داشتند، قدردانی و تشکر می‌گردد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آندرواژ، لایلا؛ رجبی پورمبیدی، علیرضا؛ قاسمی همدانی، ایمان و زربازو، ایمان (۱۴۰۰). «تأثیرات مسؤولیت اجتماعی شرکت و جهت گیری زیست محیطی بر عملکرد بازاریابی در شرکت های صنایع غذایی سلامت محور». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳(۸): ۲۶۷-۲۸۰.
- بابایی مهر، علی و ذبیحی، مازیار (۱۳۹۴). «مسؤولیت شورای امنیت در قبال بحران های زیست محیطی تهدیدکننده صلح و امنیت». فصلنامه مطالعات بین الملل، ۱۲(۲): ۸۵-۱۰۲.
- بوذری، سپیده و اسدزاده، سیمین (۱۴۰۲). «ضمانت اجراهای حقوقی و کیفی در آسیب های وارده بر محیط زیست ناشی از آلودگی هوا با نگاهی به شهر تهران». مجله حقوق پزشکی، ۱۷(۵۸): ۲۶۵-۲۸۰.
- پورباقرانی، حسن و همتی، مرضیه (۱۳۹۵). «نقد سیاست کیفی ایران در قبال جرایم زیست محیطی». فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۷): ۳۵۰-۳۷۳.
- جوادی، سیدهادی؛ فخلعی، محمدتقی و سلطانی، عباسعلی (۱۴۰۱). «قواعد فقهی دخیل در جرم انگاری تخریب محیط زیست». فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، ۲(۹): ۶۳-۱۰۰.
- حاج محمدی، مهدی (۱۴۰۱). «بررسی حفظ و نگهداری محیط زیست در احکام اسلامی و حقوق بین الملل». فصلنامه مطالعات حقوق، ۲۸: ۷۹-۱۰۲.
- دبیری، فرهاد و کیانی، مزده (۱۳۸۶). «بررسی قوانین و مقررات پیشگیرانه از جمله ارزیابی اثرات زیست محیطی در کشور ایران و چند کشور صنعتی». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۹(۴): ۹۵-۱۰۹.
- دبیری، فرهاد؛ عباسپور، مجید؛ مکنون، رضا و آزادبخت، بیتا (۱۳۸۶). «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه ای پس از انقلاب در ایران». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۹(۱): ۸۵-۱۰۰.
- زاهدیان تجنکی، محمدحسین؛ شامبیاتی، هوشنگ و نجفی توانا، علی (۱۴۰۲). «شاخص های سیاست گذاری کیفی جرایم زیست محیطی با تأملی در زیست بوم استان مازندران». فصلنامه تعالی حقوق، ۱۴(۳): ۱۶۷-۲۰۰.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۷). «مجرمین یقه سفید و سیاست کیفی ایران». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸(۴): ۲۳۹-۲۵۴.
- سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۸). «بهبود ضوابط کیفی و نوآوری های قانون هوای پاک در مقایسه با قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۷): ۹-۴۱.
- شاهرخی، سیدنورالله و رحیمی، حبیب الله (۱۴۰۲). «بررسی انطباق اصل جبران همه خسارات با مبانی کثرت گرا در حوزه فلسفه مسؤولیت مدنی». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۳۰(۱۴): ۱۷۹-۲۱۳.
- شریفی، محسن و حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۹۵). «معیارهای تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی در نظام کیفی ایران، آمریکا و انگلستان». پژوهش نامه حقوق کیفری، ۷(۱): ۱۶۵-۱۹۰.
- طوسی، عباس (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی حقوق شرکت ها. چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- عبداللهی، محسن (۱۳۸۶). «حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی». فصلنامه علوم محیطی، ۵(۱): ۹۷-۱۱۷.
- عزیززاده، فاطمه و رضایی، علی (۱۴۰۱). «بررسی سیاست تقنینی و حمایتی ایران در حمایت از محیط زیست در مقایسه با فقه و جمهوری خلق چین». فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۵): ۳۶۷-۳۸۱.
- علیدادی شمس‌آبادی، محمد؛ نصیری، علی و صفی، سعید (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی حق محیط زیست سالم در سیره نبوی و علوی با حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران». مجله تاریخ و فرهنگ، ۵۱(۲): ۲۴۵-۲۶۴.
- فریادی، مسعود (۱۴۰۳). «بررسی میزان تناسب جایگاه سازمانی کنونی سازمان محیط زیست». فصلنامه حقوق اداری، ۱۲(۴۰): ۱۱۱-۸۶.
- قلندر، محمد؛ شعبان‌زاده، مهدی و صفایی، مریم (۱۴۰۲). «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی در حوزه نفت و گاز». فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، ۲(۳): ۵۳۶-۵۵۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). مبانی حقوق عمومی. تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷). «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳۸(۲): ۳۱۳-۲۸۵.
- نوروزی، محمد (۱۳۹۵). راهبری شرکت‌ها. رساله دکتری، نام استاد راهنما دکتر عبدالرسول قدک، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۷). «اقامه دعوی جبران خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳(۸۱): ۲۵۳-۲۲۱.

ب. قوانین

- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.

- قانون هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶.